

کتابی که آداب ورود به جایگاه تعزیه‌خوانی در بارگاه ولیعهد قاجار را به تصویر می‌کشد

۳ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۴۴

کتاب «اوراق پراکنده از تاریخ تبریز» تالیف بهروز خانچی یکی از کتاب‌هایی است که صفحات متعددی را به سوگواری تبریز در ایام محرم همراه با بیان جزئیات برخی ریشه‌های آن اختصاص داده است. مولف در این کتاب با نگاهی ریزبین به مراسم‌های قمه‌زنی (شاخسی و اخسی) در تبریز اشاره کرده است

محرم در شهرهای ایران در عصر صفویه و قاجار آداب خاصی داشته که امروز برخی از این آداب به جای مانده است. البته همه این عادات و سنت‌ها امری پسندیده نیستند اما مرور منابع تاریخی با نگاه مردم‌شناسی می‌تواند به ما بگوید که ریشه برخی عادات مذموم حتی در مراسم مذهبی را نشان دهد تا در رفع آن کوشش بیشتری شود.

تورق تاریخ تنها برای افزایش آگاهی از گذشته نیست، بلکه مطالعه مرور شیوه زندگی مردم در برهه‌های مختلف تاریخی می‌تواند به ریشه‌کشی برخی رفتارهای ناپسند بینجامد. امروزه نه تنها در ایران بلکه در برخی کشورهای همجوار، سنتی به نام قمه‌زنی در ایام عزاداری سالار شهیدان مشاهده می‌شود؛ سنتی که مولف کتاب «اوراق پراکنده از تاریخ تبریز» تالیف بهروز خانچی به تاریخچه آن اشاره گذرایی کرده است.

در ادامه آیین‌های سوگواری در شهرهای ایران به روایت کتاب، شهر تبریز مورد توجه قرار گرفته است. از این رو کتاب «اوراق پراکنده از تاریخ تبریز» را ورق زدیم، کتابی که تبریز را در متن روایت تاریخی خود قرار داده و یکی از نکات سودمند آن، ریزبینی است که مولف در تشریح برخی جزئیات عزاداری در تبریز عهد قاجار دارد. وی نگاهی ویژه به دسته‌جات عزاداری از منظر خاستگاه اعضای هر دسته با توجه به مولفه اقتصاد دارد. ضمن این که تلاش کرده ریشه یا پیشینه برخی رفتارها را در سوگواری محرم بیان کند.

معروف‌ترین و شدیدترین نوع عزاداری در آذربایجان عهد صفویه

در سطور از کتاب برای ورود به بحث محرم نخست شرح کوتاهی از دلیل عزاداری برای امام حسین (ع) گنجانده شده و آمده است: «قیام و نهضت امام حسین (ع) در تمامی شئون زندگی پیروان خود تاثیر داشته است. شهادت وی و یارانش مجموعه گسترده‌ای از فرهنگ و ادب انسانی را به خود اختصاص داده و بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی آن در طول تاریخ پس از شهادت امام

(ع) مشهود و ملموس مردم است و هر سال در ماه محرم و صفر شیفتگان حضرتش یاد نهضت او را گرمی و زنده می‌دارند و سوگ‌مندان بر مظلومیت و غربت و تنهایی و بی‌یاوری وی اشک می‌ریزند که این اشک نشان دلبستگی و ارادت و بیعت در اطاعت ماست.» (ص ۳۸)

مولف پس از ارائه یک توضیح درباره دلیل برگزاری سوگواری برای اباعبدالله به سرعت سراغ یکی از عادات‌های مراسم محرم در تبریز می‌رود و با بیان یک روایت پیشینه قمه‌زنی در سه شهر ترک‌تبار ایران را شرح می‌دهد. خانچی درباره چگونگی شکل‌گیری قمه‌زنی می‌نویسد: «معروفترین و شدیدترین نوع عزاداری در آذربایجان که پس از صفویه در این دیار رواج یافته قمه‌زنی و جاری ساختن خون از بدن است. آنچه سینه به سینه تا امروز نقل شده و شاید کمتر کسی از آن مطلع باشد این است که گویا یکی از روحانیون معروف زمان اوایل قاجار یا اواخر صفویه بنام مرحوم فاضل دربندی برای اولین بار مراسم عزاداری قمه‌زنی را در آذربایجان، در تبریز و اردبیل مرسوم کرده است یعنی او به پیروان خود گفته بود چون حضرت زینب (س) سر برادرش را بر سر نیزه کفار دید، سرش را به شدت به چوب دیرک بدنه محمل کجاوه کوبیده و سرش را خونین کرده بود. مسلمانان شیعه نیز بایستی مانند حضرت زینب(س) بعنوان شهادت پیشوای خود سرشان را شکافته خون خود را که نتوانسته‌اند در سرزمین کربلا جاری سازند، در عاشورا نثار راه سرور آزادگان جهان نمایند.» (ص ۳۸)

حضور شاخسی و اخسی در کوچه گذرهای تبریز

هر چه سطور بیشتری را از کتاب مطالعه می‌کنید کنجکاوتر می‌شوید که عزاداری در تبریز با توجه به حضور ولیعهد قاجار در آن، تابع چه رسوم و آدابی بوده است. کنجکاو می‌ماند با این شرح این چنین نیمه اقلان می‌شود: «در دوره حکومت قاجار دو ماه محرم و صفر، تبریز واقعا عزاخانه واقعی می‌شد اکثر مراکز فساد تعطیل می‌شد. هیچ‌گونه جشن و سروری در شهر برپا نمی‌گشت چون مردم تبریز این دو ماه را ماه حرام می‌دانستند و می‌گفتند که جشن و سرور شگون ندارد. مجالس عزاداری و سوگواری برپا می‌شد هرکس نسبت به بضاعت خودش در ترتیب دادن مجالس مزبور شرکت می‌کرد. دسته‌جات سینه‌زن، زنجیرزن و قمه‌زن (شاخسی و اخسی) از چند روز مانده به ماه محرم در کوچه گذرهای تبریز به حرکت درمی‌آمدند.» (ص ۳۸)

عزاداری در شهر مقرر ولیعهد قجرها تابع رسوم و آداب ویژه‌ای بود، به طوری که در این رابطه می‌خوانیم: «در دربار شاهزادگان قاجار، ولیعهد آن خاندان در تبریز که مجالس بسیار باشکوه عزاداری ترتیب می‌داد در محل کاخ آلی قاپو (عالی قاپو) (استانداری و بانک ملی و فرمانداری فعلی تبریز) از طبقات مختلف مردم پذیرائی می‌شد. در یک اطاق بسیار بزرگ مشرف به حیاط و میدان کاخ، ولیعهد می‌نشست و در اطراف او به ترتیب بیگلربیگی (استاندار) قلعه‌بیگی (رئیس شهربانی) دیوان‌بیگی (رئیس دارائی) و بقیه اشراف و شاهزادگان و امرا می‌نشستند.» (ص ۳۹)

همان‌طور که ترتیب ورود و حضور مقامات و افراد در حکومت پیش‌بینی شده، نوع پذیرایی از افراد بر حسب رتبه آنها نیز شرح داده شده است. مولف در رابطه با پذیرایی از عزاداران با توجه به شان و مقام آنها آورده است: «در ایام دهه اول ماه محرم جایگاه

تعزیه‌خوانی همواره آماده پذیرائی بود و تعزیه‌داری شب و روز ادامه داشت معمولاً روزها از ساعت دو بعد از ظهر تا اواخر روز و از اول شب تا نیمه‌های شب مردم دسته دسته در این مجالس شرکت می‌کردند. قسمت دست راست جایگاه ولیعهد مخصوص بانوان بود که درب آن از کوچه حرمخانه (انتهای بازار کفاشان) بود و فقط زنان حرم و بزرگان از این در حق عبور و مرور داشتند. طرف دست چپ جایگاه که جدا از محل جلوس ولیعهد بود مخصوص مردان بود و درب آن از منطقه جبه‌خانه (خیابان دارائی) باز می‌شد. علما و اعیان و اشراف و بزرگان شهر از درب اصلی آلاچاقو که از مقابل قلعه‌بیگی (شهربانی قدیم) می‌گذشت رفت و آمد داشتند. در طبقه فوقانی در محلی که ولیعهد می‌نشست پذیرائی شاهانه بود و نسبت به مقام و منزلت افراد از آنان با چای اعلا و قلیان و نان شیرینی و حلوا پذیرائی می‌شد به افراد عادی فقط چای تعارف می‌کردند. اکثر زنان شهر که علاقمند به شرکت در مراسم عزاداری بودند از صبح زود با خود مختصر غذایی که همراه می‌آوردند برای نشستن خود جائی مناسب دست و پا می‌کردند.» (ص ۳۹)

نظم و رعایت اصول عزاداری برای افرادی که مجری سوگواری امام حسین (ع) بودند، در منبر هم مشاهده می‌شود و از اصول خاصی پیروی می‌کند. درباره اشعاری که در روضه‌خوان‌ها برای حضار عزادار می‌خواندند آمده است: «قبل از آمدن دسته‌جات عزادار حسینی به صحن مقابل جایگاه ولیعهد تعدادی از روضه‌خوان‌ها به بالای منبر رفته ذکر مصیبت نموده اشعار بسیار جالبی از دخیل، قمری و دیگران به زبان ترکی می‌خواندند سرانجام نوبت به حاج میرزا علی‌اکبر واعظ می‌رسید که منبر او بسیار گیرا بود و ختم مجلس تعزیه با ایشان بود.»

تقسیم‌بندی دسته جات عزاداری تبریز بر حسب درآمد آنها

مؤلف در شناسایی افراد تشکیل‌دهنده دسته‌جات سینه‌زنی، زنجیرزنی به خاستگاه اجتماعی با توجه به نوع درآمد آنها توجه ویژه‌ای ابراز کرده و با تفکیک افراد این گروه‌ها می‌نویسد: «زمانی که تعزیه‌داری تمام می‌شد دسته‌جات حسینی یکی‌یکی وارد شده با آرامش مخصوصی سینه زده، عزاداری کرده از درب دیگری خارج می‌شدند. سینه‌زنان را طبقات متمول و اصناف و کسبه وزین و مشهور تشکیل می‌دادند. زنجیرزنان از طبقه متوسط الحال بودند و دسته عرب‌ها که ملبس به لباس شبیه عرب‌های عربستان بودند با کلف و جیفه و عقار در حالی که اشعاری به زبان عربی می‌خواندند و کسی هم معنای آنها را نمی‌دانست عزاداری می‌کردند، عرب‌ها را افراد عیار و جوانان تنومند و قدرتمند تشکیل می‌دادند.» (ص ۴۰)

فلسفه قمه‌زنی و افرادی که مرتکب این عمل می‌شدند مساله‌ای است که خانچی آن را رها نکرده و در توضیح دلیل این عمل در عزاداری محرم آورده است: «افراد دسته‌جات شاخسی یا قمه‌زنان کسانی بودند از طبقات فقیر و بی‌چیز که چیزی نداشتند تا در راه امام حسین نثار کنند مگر خون خود را که نذرهای متعدد کرده‌اند تا اگر برآورده می‌شد به سرشان قمه بزنند. دسته‌جات شاخسی یا قمه‌زنان در عزاداری ماه محرم از روش‌های مخصوصی پیروی می‌کردند.» (ص ۴۰)

کتاب «وراق پراکنده از تاریخ تبریز» تدوین بهروز خان‌اچی صفحات متعددی را به عزاداری محرم در تبریز اختصاص داده و ما تنها سه صفحه از این اثر را انتخاب کرده و در ایبنا منعکس کردیم. مولف تلاش کرده به چگونگی تعزیه در این شهر نیز بپردازد. با این حال آنچه قابل توجه مخاطب است با وجود مطالب مفیدی که ارائه شده اما منابع در صفحات کتاب درج نشده و مولف نیز توضیح نمی‌دهد که برخی جزئیات را از چه منبعی استخراج کرده و در اثر خود گنجانده است. از طرف دیگر شرح عزاداری در تبریز با نگاه ویژه به ولیعهد و بیان مراسم سوگواری در مجلسی که وی حضور دارد، از نکات قابل توجه کتاب است و نکات ریزی که مولف به آن التفات خاصی داشته، مخاطب را به خواندن اثر تشویق می‌کند.

منبع: ایبنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/31936/کتاب-آداب-ورود-جایگاه-ورود-آداب-کتاب/31936>